نگاه

واکنش ابتکار به ابهامات مرگ پلنگ هیرکان

● در پی انتشار خبر مرگ هیرکان (پلنگ ماده) که سال گذشته در پارک ملی گلستان رهاسازی شده بود و عدم اطلاع‌رسانی سازمان محیط زیست هم‌زمان با مرگ هیرکان، معصومه ابتکار با تاکید بر شناسایی مقصر این اتفاق گفت: با جدیت پیگیری می‌کنیم و هیچ قصدی برای پنهان‌کاری نداریم.

به گزارش ایسنا در تابستان سال ۹۳، دو توله‌پلنگ نر و ماده، داخل کارتن، پُشت در محیط زیست شهرستان کردکوی استان گلستان گذاشته شد. کسی نمی‌دانست چه کسی و از کجا این دو قلاده پلنگ را به آنجا منتقل کرده است. این دو پلنگ هیرکان و ورکان نام گرفتند و در زمان پیداشدن حداکثر دو ماهه بودند. آنها بدون مادر اما با حساسیت‌ها و مراقبت‌های بسیار بزرگ شدند و در نهایت تصمیم گرفته شد که مقدمات رهاسازی آن دو در طبیعت فراهم شود. در ابتدای شهریور سال ۹۵ هیرکان (پلنگ ماده) که دارای شرایط بهتری نسبت به ورکان بود در پارک ملی گلستان آزاد شد، اما کمتر از یک سال بعد خبر مرگ این پلنگ منتشر شد.

معصومه ابتکار، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، دراین‌باره به خبرنگار ایسنا می‌گوید: درباره مرگ هیرکان هنوز نمی‌توانیم نظر قطعی اعلام کنیم، اگر پنهان‌کاری صورت گرفته باشد، تخلف است و پیگیری می‌شود.

وی تاکید می‌کند: ابعاد این موضوع باید به طور کامل، روشن شود. به همین علت بخش‌های مختلف سازمان حفاظت محیط زیست به‌ویژه بازرسی و حراست به این موضوع پرداخته‌اند و در حال بررسی آن هستند. باید زمان بدهیم تا بخش بازرسی بتواند گزارش کاملی ارائه دهد.

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست افزود: اگر محرز شود که پنهان‌کاری صورت گرفته و تخلف شده، حتما برخورد می‌شود، زیرا دروغ‌گویی کار بدی است. بررسی‌های سازمان حفاظت محیط زیست برای شناسایی مقصر است. دسترسی آزاد به اطلاعات و صداقت برای ما اصل است و همه ما تعجب کردیم که چنین مسئله‌ای مطرح شده؛ بنابراین آن را با جدیت پیگیری می‌کنیم و هیچ قصدی برای پنهان‌کاری نداریم و اطلاع‌رسانی نیز در این زمینه صورت خواهد گرفت.

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست که در زمان رهاسازی هیرکان در شهریور ۹۵ گفته بود در این سازمان اصل بر این است که این گونه‌ها به طبیعت بازگردند حتی اگر درصد زنده‌ماندن آنها کم باشد، معتقد است: آنچه اهمیت دارد؛ آن است که رهاسازی پلنگ یک آزمون در حوزه حیات وحش بوده که روی هیرکان انجام شده و اگر ۳۵ روز هم زنده مانده باشد به لحاظ تحقیقاتی کار ارزشمندی است، البته اگر این عدد درست باشد. ابتکار با بیان اینکه هنوز زمان حیات هیرکان در طبیعت مشخص نیست، می‌گوید: دکتر مهاجر، مدیرکل محیط زیست گلستان، اظهارنظر دقیق دراین‌باره را به نظر شرکت آلمانی که کار تحقیقات را هدایت می‌کرد، موکول کرده است تا ارزیابی درستی در این زمینه ارائه شود. وی تاکید می‌کند: اگر حتی حداقل زمان را برای زنده‌ماندن هیرکان در طبیعت در نظر بگیریم می‌دانیم که این رهاسازی آزمونی بوده و نفس آن ارزشمند است که بدانیم حیوانی که در اسارت بزرگ شده، چقدر می‌تواند در طبیعت دوام بیاورد. شاید بتوان یک آسیب‌شناسی انجام داد و دلیل این را که نتوانسته بیشتر از این در طبیعت دوام بیاورد کشف و بررسی کرد تا بدانیم که برای رهاسازی حیوان باید چه دقت‌ها و حساسیت‌هایی در نظر گرفته شود.

بررسی میزان اعتیاد میان دانشجویان

گل، وید، اسید و حشیش موجود است

عکس: مهدی حسنی

شهرزاد همتی: روی نیمکت‌های وسط حیاط، کمی پایین‌تر از کافه دانشکده علوم اجتماعی نشسته‌ایم، پیراهن چهارخانه آبی بر تن دارد و شلوار جین تیره رنگ‌ورورفته‌ای هم به پا کرده. دست‌هایش را تا منتهی‌الیه نیمکت کشانده و موهای بی‌نظمش بر صورتش ریخته، از پسرهای درجه‌یک و بااستعداد پژوهشگری است. اینجا احسان صدایش می‌کنیم، احسان میان دخترهای دانشکده هم کم طرفدار ندارد، همین بی‌خیالی و به‌هم‌ریختگی را دوست دارند، آنها به حساب بی‌آلایش‌بودن و انتلگتوئل‌بودنش می‌گذارند، اما خودش حوصله ندارد... وزن‌کم‌کردن‌ها، بی‌حالی‌ها و ضعف‌کردن‌هایش به خاطر بی‌تفاوتی نسبت به زندگی نیست، احسان، دانشجوی خرم‌آبادی که بچه‌ها روی ذهن خلاق و ایده‌های بکرش حساب زیادی باز می‌کنند، حالا یک سال است که معتاد است. او می‌گوید: «اولش توی دانشگاه از گل شروع می‌شه. مخصوصا اگر خوابگاهی باشی. چون گل تقریبا حداقل یکی در میون تو هر اتاقی نیست. اولش هم می‌گن مغز رو باز می‌کنه، یه خورده هم افه روشنفکری ورت می‌داره. اما مغز رو واقعا می‌پکونه، من ولی دوست داشتم و دارم، اصلا این حسش حالم رو خوب می‌کنه. شبای اول با یه کام و دو کام شروع می‌شد، همون‌قد که فاز خنده برداریم، دلتنگی خانواده یادمون بره، البته همیشه هم فاز خنده نمی‌داد، یه وقتایی می‌زدیم زیر گریه، اما فاز خنده‌ش بهتره، و البته بیشتر. البته فقط هم گل نبود، گل مث سیگار می‌مونه، همه دارن، اگر خیلی باکلاس و پولدار باشن تو سیگارپیچ می‌کشن، اما اگر بچه معمولی باشن از همین بهمن کوچیکا رو خالی می‌کنن و توش گل می‌ریزن». از احسان می‌پرسم گل از کجا پیدا می‌کنند و او می‌گوید: «می‌تونم به لحظه برات یه گونی همین جا خالی کنم. یعنی اصلا حتی نمی‌تونی تصورش رو هم بکنی که دوروبر دانشگاه چند تا ساقی ریخته، اونم واسه گل که دیگه بچه‌بازیه».

گل معتاد نمی‌کند

اعتیاد احسان اما به گل ختم نمی‌شود، شیشه‌کشیدن از شب‌هایی شروع شد که با بچه‌ها قرار گذاشتند حسابی درس بخوانند، احسان می‌گوید: «اول یاشار گفت شیشه که بکشیم تا صبح خوابمون نمی‌بره که هیچ، تا دو روز بعدش هم می‌تونیم مثل بنز کار کنیم، یکی از دوستام هم می‌گفت دخترا واسه تناسب اندام شیشه می‌زنن. من دفعه اول مثل سگ ترسیده بودم، اما فازش عجیب بود. هی می‌گفتن بی‌جنبه نباشی، نه گل معتادت می‌کنه نه شیشه. گل رو راست می‌گفتن اما شیشه فرق می‌کنه، بعد تو به شیشه که معتاد باشی درد دوا نمی‌گیری، وقت خماری، مغزت فنا می‌شه، خورده می‌شه، نمی‌تونی بفهمی چی می‌گم...».

تصور اینکه با یک بار و دو بار کشیدن تفریحی که کسی معتاد نمی‌شود، بین دانشجویان هم کم وجود ندارد، همین باعث می‌شود روزبه‌روز به آدم‌هایی که تنها برای اینکه نشان بدهند چقدر شاخ هستند و همین شاخ‌بودن معتادشان می‌کند، اضافه می‌شود.

همچنین بی‌برنامگی‌های متصدیان این حوزه در سال‌های گذشته برای کاهش این معضل سبب شده بعضی جوانان با ورود به محیط‌های جدید دانشگاهی دچار انواع چالش‌ها و بحران‌ها شوند و با انتخاب مواد مصرفی به‌ظاهر جذاب، راه نابودی خود را در پیش بگیرند.

براساس آمارهای موجود درحال‌حاضر بالغ بر یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار معتاد در ایران وجود دارد. براساس یک برآورد تخمینی، هر معتاد بالغ بر یک میلیون تومان هزینه اجتماعی همراه خود دارد. از همان زمانی هم که در زمینه اعتیاد دانشجویان بین مسئولان احساس خطر ایجاد شد، در تلاش بودند که جلوی این سیر صعودی گرفته شود، به‌عنوان مثال از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۹ از سوی ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور اعتباری بالغ بر دومیلیاردو ۲۰۰ میلیون تومان به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به منظور انجام برنامه‌های پیشگیری از اعتیاد شامل اطلاع‌رسانی، آموزش مهارت‌های زندگی، ارائه خدمات مشاوره به دانشجویان و... اختصاص یافته که فعالیت‌های مناسبی از سوی مسئولان ذی‌ربط انجام شده اما به دلیل محدودیت اعتبارات، نرخ سطح پوشش کافی نبوده است. آمار دانشجویانی که یک بار یک نوع ماده مخدر را تجربه کرده‌اند، بسیار بیشتر از تعداد معتادان حرفه‌ای در محیط‌های دانشگاهی است. براساس تحقیقی که انجام شده است، بین ۲۰ تا ۳۰ درصد از دانشجویانی که به‌عنوان نمونه تحقیقی در نظر گرفته شده بودند، اعتقاد داشتند تنها یک بار مصرف مواد مخدر اعتیادآور نیست و شیوع چنین برداشتی در میان دانشجویان تصوری خطرناک است.

ژنتیک، سابقه وجود اعتیاد در خانواده، انتظار پیشرفت، عدم اعتمادبه‌نفس و مشکلات روان‌شناختی از دلایل اصلی گرایش دانشجویان به سمت اعتیاد است. مطابق آماری که ما داریم، حداقل ۴۰ درصد دانشجویان یک‌بار تجربه مصرف حشیش را داشته‌اند و گفتمان غالب در میان این دانشجویان به این سمت می‌رود که حشیش اعتیادآور نیست

اعتیاد در دانشگاه آزاد

کیا طاهری یکی از دانشجویانی است که در دانشگاه تهران جنوب درس خوانده و به واسطه ارتباطاتش اطلاعات زیادی از دانشجویان دانشگاه‌های حومه تهران دارد.

او درباره اعتیاد در دانشگاه آزاد به «شرق» می‌گوید: «اعتیاد در دانشگاه‌های حومه تهران زیاد است، مصرف حشیش بین بچه‌ها خیلی بالاست. بچه‌ها چیزهای عجیب‌وغریب مصرف می‌کنند؛ مثلا من دیده‌ام اسید می‌زنند، یا اسم‌های خیلی غریبه‌ای که در خاطرم نیست. من بچه‌هایی را در دانشگاه می‌شناسم که در قالب گروه‌های موسیقی یا رادیوی زیرزمینی فعالیت می‌کنند، اما در ساعت‌هایی خیلی مواد مصرف می‌کنند و یک شبکه غیررسمی مصرف و توزیع مواد مخدر بین آنها وجود دارد. البته آنها از دید خودشان اصلا فکر نمی‌کنند که مصرف‌کننده مواد مخدر هستند، می‌گویند حشیش که مصرف گیاهی دارد و اعتیادآور نیست.

اگر بخواهم از دید خودم یک فرضیه داشته باشم به شما می‌گویم در دانشگاه‌های آزاد حومه تهران فعالیت‌های رسمی دانشجویی خیلی کم است، من خودم با اینکه در دانشگاه تهران جنوب که از دانشگاه‌های اصلی تهران است درس می‌خواندم و با اینکه در دانشگاه کانون تئاتر و شعر و سینما وجود داشت و بچه‌هایی که از نظر عقیدتی و ظاهری هم مذهبی به نظر می‌رسیدند می‌آمدند و فعالیت می‌کردند، اما در همان دانشگاه تهران‌جنوب هم نرخ فعالیت‌های رسمی بچه‌ها در دانشگاه پایین بود. این کانون‌ها خودگردان بودند، ولی در دانشگاه‌های حومه تهران هیچ فضای رسمی خارج از فضای‌آکادمیک تحصیلی برای فعالیت‌های فوق‌برنامه قانونی نبود. ما با یکی، دوتا از بچه‌ها تلاش کرده بودیم یک کانون فرهنگی شعر در دانشگاه رودهن راه بیندازیم و از همان طریق متوجه شدیم چند گروه تئاتر و موسیقی غیررسمی و زیرزمینی در دانشگاه فعالیت می‌کنند و همین غیررسمی‌بودن‌ها باعث می‌شود که دانشجویان در یک فضای غیرقابل‌بررسی با چیزهایی روبه‌رو شوند که خطرناکند.»

به گفته دانشجویان دانشگاه آزاد اول ماجرا همه با وید شروع می‌کنند، وید و بنگ که به مواد آرتیست‌ها مشهورند طرفدار زیادی بین بچه‌هایی دارند که دلشان می‌خواهد روشنفکر باشند.

روزبه، از بچه‌های دانشگاه آزاد، به «شرق» می‌گوید: «وید کلا جنس گرانی است، بچه‌هنری‌ها دوستش دارند و می‌گویند در خلق اثر کمک می‌کند. خیلی از بچه‌هنری‌هایی هم که معتاد می‌شوند، اصلا برای همین گل، وید و اسید می‌زنند که ذائقه هنری‌شان جان بگیرد. اول از وید شروع می‌شود، اگر خیلی مایه‌دار باشید به کوکائین می‌رسید، اما ته همه‌اش شیشه است، اما شما آن‌قدر که راحت می‌توانی بین بچه‌ها وید پیدا کنی، اگر فشارت بیفتد نمی‌توانی یک شکلات از کسی بگیری، وید همه‌جا هست». روزبه اسید می‌زند و می‌گوید توهم طولانی اسید را دوست دارد، می‌گوید کمک می‌کند خوب نقاشی بکشد بس که توهمش را بالا می‌برد خودش را با ونگوگ اشتباه می‌گیرد.

تلاش‌ها برای گفت‌وگو با مسئولان وزارت علوم همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد با وجود آنکه قول مصاحبه داده بودند بی‌نتیجه ماند، اما دکتر حمید ابراهیمی، روان‌پزشک و متخصص اعتیاد، در گفت‌وگو با «شرق»، درباره دلایل گرایش دانشجویان به مواد مخدر اظهار کرد: «ژنتیک، سابقه وجود اعتیاد در خانواده، انتظار پیشرفت، عدم اعتمادبه‌نفس و مشکلات روان‌شناختی از دلایل اصلی گرایش دانشجویان به سمت اعتیاد است. مطابق آماری که ما داریم، حداقل ۴۰ درصد دانشجویان یک‌بار تجربه مصرف حشیش را داشته‌اند و گفتمان غالب در میان این دانشجویان به این سمت می‌رود که حشیش اعتیادآور نیست. از طرفی آمار اعتیاد بین دانشجویان پسر بیش از دختران است، اما مسئله نگران‌کننده این است که آمارها نشان از افزایش دختران معتاد در دانشگاه‌ها دارد».

وی افزود: «در موضوع مصرف مواد مخدر معمولا آمار گویایی وجود ندارد و صحبت‌ها عموما براساس برآوردهایی است که از آمار رسمی مربوط به مرگ‌ومیر ناشی از مصرف مواد مخدر یا تعداد افراد مراجعه‌کننده به مراکز بازپروری یا کشف مواد مخدر و دستگیری‌های مربوط به آن، صورت می‌گیرد، اما مسئله‌ای که وجود دارد سهل‌الوصول‌بودن مواد و دردسترس‌بودن آن است، دانشجویان به‌راحتی آب خوردن و با پیک‌موتوری مواد را تهیه می‌کنند، این مسئله باعث می‌شود که احساس غرور و خودباوری پیدا کنند، دست‌پیداکردن به یک مسئله ممنوعه، آن‌هم به این راحتی باعث می‌شود که احساس رضایتمندی در میان جوانان ایجاد شود و از آن در گعده‌های دوستانه‌شان به‌عنوان زرنگی و باحال‌بودنشان نام ببرند.

از طرفی متأسفانه درحال‌حاضر میان برخی از دانشجویان استفاده از مواد مخدر به‌نوعی باعث ایجاد شخصیت و کلاس هنری می‌شود، به‌خاطر همین است که بسیاری از آنها ترجیح می‌دهند هنرمندی معتاد به نظر برسند، درواقع اعتیاد هم مانند ریش بلند و لباس آشفته از ملزومات عده‌ای از آنهایی است که دوست دارند ادای هنرمندها را دربیاورند. جدا از این مسئله باید خاطرنشان کرد حدود دو درصد از دانشجویان نیز از بدو ورود به دانشگاه معتاد هستند و به‌عنوان ناقل اعتیاد در نظر گرفته می‌شوند».

اردیبهشت‌ماه سال گذشته احمد حاجبی، مدیرکل دفتر سلامت اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، شیوع مصرف مواد مخدر در بین دانشجویان را ۶/۲ درصد عنوان کرده بود. هنوز آمار دقیقی درباره میزان کاهش یا افزایش شمار دانشجویان معتاد اضافه نشده، مطابق آمار، بیشترین ماده مخدر مصرفی بین دانشجویان نیز گل و حشیش است و البته باید به این مواد اسید را نیز اضافه کرد.

یادداشت

میهمان مملکت دلِ «مملَکت» خانَم

مریم پیمان

● یا نور مستوحشین فی الظلم. تونل پنجم را رد می‌کنم. سیاهِ سیاه. با تک‌نورهایی در فاصله‌های دور. شب جاده را احاطه کرده است، مثل گناه و دل من. صورتِ خیسم با نت‌های موسیقی نوازش می‌شود و هر نور چهره‌ای را در خاطرم زنده می‌کند. تونل‌به‌تونل، شهربه‌شهر، خانه‌به‌خانه، داستان‌به‌داستان، یتیم‌به‌یتیم. چیزی روی سینه‌ام سنگینی می‌کند و دردی در گلویم می‌پیچد. «حکایت از چه کنم سینه سینه درد اینجاست/ هزار شعله‌ی سوزان و آهِ سرد اینجاست».

وارد تونل بعدی می‌شوم. انگار در خانه «مملکت» به روی من گشوده می‌شود. نوری در تاریکی محضِ دهی در «دوردور» لردگان. لبخند روی چهره پرمهرِ مادر هفت فرزند چنان کشیده و زیبا می‌نشیند که یقین می‌کنم پاکی سیرتِ صاحبانِ ابروانِ سیاه و چشمانِ تیره هیچ نشانی جز موهبتی خدادادی نیست. کلمات نامفهوم او در بین صدای خنده‌های بچه‌ها غرق می‌شود و من در رؤیای آسمانِ بالای سقفِ کوتاهِ سیاهی‌زده از دودِ بخاری. اذان گذشته است. دستانم را به قنوت شُکر بلند می‌کنم و شهادتینِ توبه می‌خوانم. نجوا می‌کنم: «بیا که مسئله‌ی بودن و نبودن نیست/ حدیث عهد و وفا می‌رود، نبرد اینجاست».

از تونل بیرون می‌آیم. درختی به گاردریل سست کنار جاده تکیه داده است؛ مثل تکیه زنی تنها با سه یتیم به شوهری جدید در فرهنگی غریب. فرهنگ مردمانی به غایت سخت و در نهایت، متعصب. مردمانی با مردانی آزاد برای بودن و زنانی در بند برای نبودن. دست دراز می‌کنم به استکانِ شیشه‌ای ایرانی چای خوش‌رنگ لب‌سوزِ زنی در آستانه ۳۰ سالگی. چهره مردی جوان و عاشق در رنگ صورتی روسری دخترکی یتیم محو می‌شود و ظرف نباتی را مقابلم می‌بینم. دخترک با تردید به رسم میهمان‌نوازی لبخندی با تردید می‌زند. نباتی برمی‌دارم و قاشقی از داخل لیوانی آب. در میان همهمه و واژه‌های گنگ جمع گرم خانه ۱۲متری مملکت «مملکت» خانم سفر می‌کنم؛ از تولد بهاری زینب به دردِ بارداری پاییزی برای علی و غم مرگِ شوهری جوان در درگیری قومی با گریه‌های بلند فاطمه. دست دراز می‌کنم تا برای خداحافظی در آغوش بگیرمشان که جانماز کوچک دست‌دوز صورتی‌رنگ را دخترک همسر جدیدش برایم پهن می‌کند. چه حاجتی به وضو وقتی در اشک‌های یتیمی غسل زیارت کرده‌ام و دل را راهی قبله دل. قامت می‌بندم نمازی برای استغفار. رکوع می‌روم برای مردانگی پیداشده عصر گم‌شدگی‌مان و سجده می‌کنم در برابر صداقتِ نگاهِ زنی یتیم‌پرور. بغضم می‌شکند. نگاهِ «حسین» گونه‌هایم را آتش می‌زند و قنوت می‌گیرم؛ «پروردگارا! به پاکی سقفِ خانهِ سیاه از زغالِ یتیمان، به حرمتِ شادمانی چشمانِ این زن، به مردانگی و غیرتِ این مرد، انسان‌بودن و انسان‌ماندن را به من بیاموز!»

سر به سجده آخر می‌نهم. دستان زینب به شانه‌هایم می‌نشیند. درد در پای راستم آرام می‌شود. برای نخستین‌بار بدون وضو و دعای مستجاب، بندگان صالح خدا را سلام می‌کنم. راه در پیش است و من راه جسته قدم برمی‌دارم. کسی در من می‌خواند: «به روزگار شبی بی سحر نخواهد ماند/ چو چشم باز کنی صبح شب نورد اینجاست/ جدایی از زن و فرزند سایه جان! سهل است/ تو را زِ خویش جدا می‌کنند، درد اینجاست».

جدول ۲۸۳۹ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- جذاب و زیبا- ترکیب رنگ‌ها ۲- آزرده- رفاه و آسایش- مصیبت‌ها ۳- کلمه پرسش- پسر امام‌حسن(ع) و شهید کربلا- سهل و ساده ۴- درخت تسبیح- ارادتمند- از دین برگشتن ۵- پر گویی- طرح می‌کشد- رقیق نیست- سیلی ۶- پایدار- تریاق ۷- کم‌ارتفاع- از پرسنل کادر درمانی- شهرستانی در آذربایجان شرقی ۸- سرپیچی از دستور- نویسنده آلمانی نمایش‌نامه دون کارلوس- از رهبران جنبش استقلال هند ۹- سر به راه- عملی که ترک آن توصیه شده ولی ارتکابش گناه نیست- دربرگیرنده موضوعات و مفاهیم کیفری ۱۰- نقاشی روی شیشه- معادل فارسی اتوبوس ۱۱- بله آلمانی- صاحب شغل و مقام- ابزارها- بتی در عصر جاهلی ۱۲- بندری معتبر در استرالیا- تاکنون- سبب خیر شود اگر خدا خواهد ۱۳- نوعی جرم قضائی- پیشوا- فراق ۱۴- از مذاهب چهارگانه اهل‌سنت- امپراتوری آلمان- معطر ۱۵- معادل فارسی اختصار- شبیه‌بودن.

عمودی:

۱- ضربه‌ای در بدمینتون- کفش ورزشی- بدون رطوبت ۲- نفی عرب- فرمانده چهار سرباز- قومی از نژاد هندواروپایی ۳- تبهکاران- نمایش‌نامه‌ای مشهور از ویلیام شکسپیر- پسر حضرت نوح (ع) ۴ - شاعر معیری- دور کعبه گشتن- ناگهان ۵- دستور و فرمان- گاز مرداب- پسوند نسبت ۶- صوت شادمانی- جوانمرد- شیرین‌سخن ۷- بی‌حیا- نامربوط- آسمان ۸- رستگاری- آخرین سلسله حکومت پادشاهی در ایران- علم ستاره‌شناسی ۹- بندری در فرانسه- فتنه و آشوب- بیماری کم‌خونی ۱۰- ثروتمند- میوه تابستانی- حس بویایی ۱۱- مهم‌ترین عامل در پراکندگی و شکل‌گیری روستاهای ایران- پرتو پرقدرت نور تک‌رنگ- شتر تیزرو ۱۲- مشاهده‌کردن- پاکیزگی- ترس ۱۳- قانون مغول- چاهک کف حوض- یار داماد ۱۴- افزونی- طولانی‌ترین رود ایران- نشانه مصدر جعلی ۱۵- هذیان- اهل ساری - چرخش.

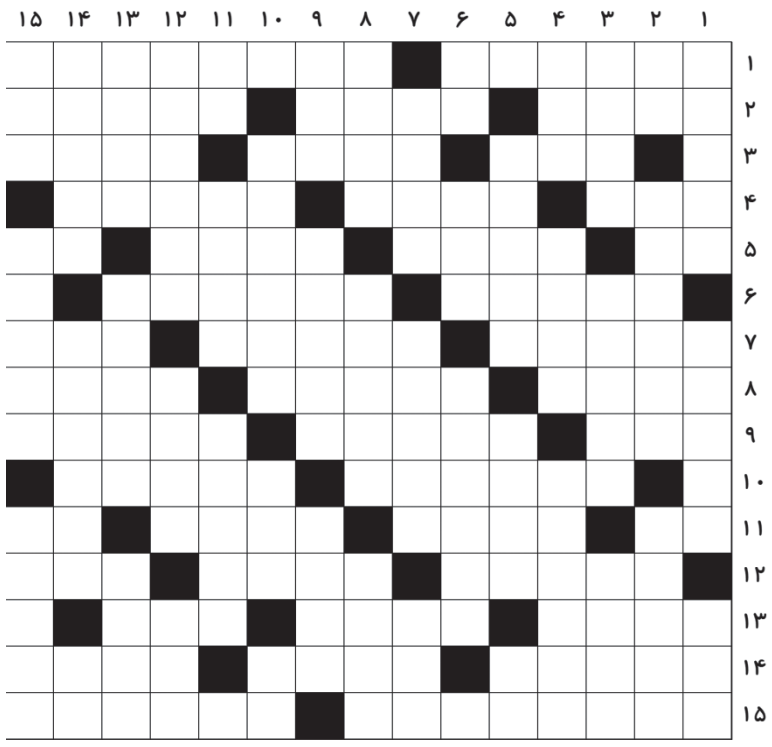

حل سودوکو سخت

۷	۹	۴	۸	۶	۳	۵	۲	۱
۶	۲	۸	۹	۱	۵	۷	۳	۴
۱	۵	۳	۲	۴	۷	۸	۹	۶
۸	۳	۵	۱	۲	۹	۴	۶	۷
۴	۶	۲	۵	۷	۸	۳	۱	۹
۹	۱	۷	۴	۳	۶	۲	۵	۸
۵	۷	۹	۶	۸	۲	۱	۴	۳
۳	۴	۶	۷	۵	۱	۹	۸	۲
۲	۸	۱	۳	۹	۴	۶	۷	۵

حل سودوکو ۱۸۳۴

۴	۵	۱	۳	۸	۲	۶	۹	۷
۸	۷	۹	۶	۵	۱	۴	۲	۳
۳	۲	۶	۷	۹	۴	۵	۱	۸
۷	۱	۸	۵	۲	۳	۹	۶	۴
۲	۴	۳	۸	۶	۹	۱	۷	۵
۶	۹	۵	۴	۱	۷	۸	۳	۲
۱	۶	۴	۲	۷	۸	۳	۵	۹
۹	۳	۷	۱	۴	۵	۲	۸	۶
۵	۸	۲	۹	۳	۶	۷	۴	۱

جدول ۲۸۳۸

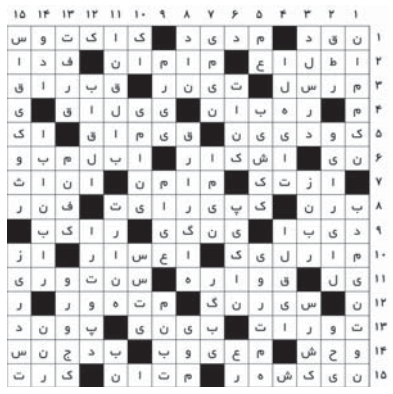

سودوکو سخت ۱۸۳۵

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۶		۵	۲				
۱		۹	۳				۴	
					۹		۲	۳
۲				۹	۱			۸
۹		۱		۸				۶
	۳			۵	۴			
	۷		۴				۶	
	۱			۶	۷			۲
			۸				۷	

سودوکو ۱۸۳۵

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۹	۵		۲	۳		۴	
	۷		۸	۹			۳	
۸				۴		۹		۶
	۵		۶	۳	۸		۹	
۳			۹		۴	۶	۵	۱
			۱	۵		۳	۸	۷
	۱	۶				۷	۲	
	۴		۳	۱	۵			
			۲	۶	۷			